irannewspaper.ir

سه‌شنبه • ۲۴ شهریور ۱۴۰۵ • سال سی و دوم • شماره ۹۱۲۳
• اذان ظهر ۱۲/۰۰ • اذان مغرب ۱۸/۳۰ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۷ • اذان صبح فردا ۰۴/۲۳ • طلوع آفتاب فردا ۰۵/۴۸

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:
صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:
هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های ایران و مؤسسه جام جم
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام علی(ع):
هر که آبروی خود را می‌خواهد، باید مجادله را رها کند.

نهج‌البلاغه، حکمت ۳۶۲

نقل قول

تداوم نسلی و استفاده از قالب‌های هنری شرط اثرگذاری فرهنگ ایثار و شهادت

براساس نگاه رهبر شهید انقلاب باید تداوم نسلی و قدرت دفاعی درونی و ملی ایجاد کنیم و اگر نتوانیم نسل‌های بعدی را درگیر کنیم آنگونه که باید اثرگذار نبودیم. البته با شرایط جدید کار راحت‌تر شده است ولی واقعاً دغدغه‌ای است که گاهی در کارهای‌مان درباره شهدا، دفاع مقدس و کنگره‌ها، با نسل‌های نوجوان و جوان‌تر، گسست زبانی و نسلی داشتیم. نکته سوم قالب‌های جذاب و هنری است؛ رهبر شهید انقلاب در دوره اخیر تأکید زیادی بر بهره‌گیری از قالب هنر در این حوزه داشتند.

صحبت‌های سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در نشست شورای مرکزی «سومین کنگره ملی ۱۴۵۰۰ شهید استان مازندران»

«سه قرن گیتار کلاسیک» به یاد «جواد مجابی»

«سه قرن گیتار کلاسیک؛ به یاد جواد مجابی»؛ اولین برنامه از فصل تابستان ۱۴۰۵ و پنجاه و هفتمین شب از سلسله شب‌های موسیقی محیطی دلکوک است که ۲۴ شهریورماه از ساعت ۱۹ در لابی طبقه همکف خانه هنرمندان ایران اجرا می‌شود. در این برنامه فرزین طهرانیان به اجرای گیتار کلاسیک با عنوان «سه قرن گیتار کلاسیک» خواهد پرداخت. این سلسله اجراها از ساعت ۱۹ شب‌های یاد شده مخاطبان و علاقه‌مندان موسیقی محیطی را میزبانی می‌کنند. /ایرنا

جشن امضای دست‌نوشته‌های دراماتیک «بهروز غریب‌پور»

دست‌نوشته‌های دراماتیک بهروز غریب‌پور که حاصل سال‌ها فعالیت ادبی و نمایشی این نویسنده، کارگردان و پیشگام اپرای عروسکی در ایران است، در قالب آثار نمایشنامه، فیلمنامه، اپراها و ترجمه‌های او توسط نشر چکانه در چهار جلد گردآوری و منتشر شده است. جلد اول این مجموعه به نمایشنامه‌های حوزه کودک اختصاص دارد و شامل آثار نوستالژیک دهه ۶۰ غریب‌پور است. جلد دوم شامل چهار اثر «سفرسبز در سبز»، «مرغ دریایی»، «قلعه حیوانات» و فیلمنامه «اردک‌لی» ویژه نوجوانان است. /ایران

«شهاب حسینی» با «بی‌دار» به سینما می‌آید

فیلم سینمایی «بی‌دار» با بازی شهاب حسینی برای اکران از ۲۲ مهرماه آماده می‌شود.
فیلم «بی‌دار» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی حسین دوماری با بازی محمدرضا فروتن، آناهیتا افشار و شهاب حسینی ساخته شده و قرارداد پخش آن با دفتر «خانه فیلم» برای اکران در مهرماه بسته شده است. تاریخ اکران آن طبق اعلام روابط عمومی این فیلم، از ۲۲ مهرماه مشخص شده است. «بی‌دار» اولین همکاری شهاب حسینی و محمدرضا فروتن در سینما است. /ایسنا

در مراسم اهدای نشان درجه یک هنری به علیرضا داوودنژاد مطرح شد

سینماگری که ایران را زندگی کرد

مراسم اهدای نشان درجه یک هنری به علیرضا داوودنژاد، کارگردان، فیلمنامه‌نویس و تهیه‌کننده سینمای ایران، به فرصتی برای مرور بیش از پنج دهه فعالیت هنری فیلمسازی تبدیل شد که سینما را نه صرفاً یک حرفه، بلکه بخشی از زندگی و شیوه مواجهه خود با جهان دانسته است. در این مراسم که یکشنبه گذشته در سالن «سیف‌الله داد» سازمان سینمایی برگزار شد، رائد فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی، داوودنژاد را فیلمسازی تجربه‌گرا توصیف کرد و گفت: «او صرفاً فرزند زمانه خود نبود، بلکه زمانه را به چالش می‌کشید.» فریدزاده با اشاره به ویژگی تجربه‌گرایی در سینمای داوودنژاد افزود: «او در مسیر خلق آثارش از محدوده‌های معمول و متعارف فراتر می‌رفت و تلاش می‌کرد تجربه‌های تازه‌ای را بیازماید.» به گفته رئیس سازمان سینمایی، داوودنژاد تجربه فردی خود را نیز در محدوده زندگی شخصی باقی نمی‌گذاشت و خانواده

مراسم اهدای نشان درجه یک هنری به علیرضا داوودنژاد، کارگردان، فیلمنامه‌نویس و تهیه‌کننده سینمای ایران، به فرصتی برای مرور بیش از پنج دهه فعالیت هنری فیلمسازی تبدیل شد که سینما را نه صرفاً یک حرفه، بلکه بخشی از زندگی و شیوه مواجهه خود با جهان دانسته است. در این مراسم که یکشنبه گذشته در سالن «سیف‌الله داد» سازمان سینمایی برگزار شد، رائد فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی، داوودنژاد را فیلمسازی تجربه‌گرا توصیف کرد و گفت: «او صرفاً فرزند زمانه خود نبود، بلکه زمانه را به چالش می‌کشید.» فریدزاده با اشاره به ویژگی تجربه‌گرایی در سینمای داوودنژاد افزود: «او در مسیر خلق آثارش از محدوده‌های معمول و متعارف فراتر می‌رفت و تلاش می‌کرد تجربه‌های تازه‌ای را بیازماید.» به گفته رئیس سازمان سینمایی، داوودنژاد تجربه فردی خود را نیز در محدوده زندگی شخصی باقی نمی‌گذاشت و خانواده خود را از مردم دریافت کرده است.» در کنار این سخنان، ابوالحسن داوودی، منوچهر محمدی، علیرضا رئیسیان و اصغر رفیعی جم نیز از تأثیر داوودنژاد بر نسل‌های مختلف سینما و نقش او در کشف و پرورش استعدادهای تازه گفتند.

میراث یک فیلمساز از «نیاز» تا هوش مصنوعی

در پایان، آنچه از مجموعه سخنان مطرح شده در مراسم به دست می‌آید، تصویر فیلمسازی است که مرز میان سینما و زندگی را برای خود کمرنگ کرده است. محمدرضا داوودنژاد، بازیگر و برادر این کارگردان، مهم‌ترین چیزی را که از علیرضا آموخته «عشق، معرفت و مرام» دانست و از تأکید او بر شیوه استانیسلاوسکی در بازیگری سخن گفت؛ روشی که در آن بازیگر باید مقابل دوربین زندگی کند، نه اینکه صرفاً بازی کند. روح‌الله حسینی نیز گفت: «ادای احترام واقعی به داوودنژاد، تنها مرور عناوین فیلم‌ها و جوایز او نیست، بلکه فهمیدن این موضوع است که چرا او چنین فیلم‌هایی ساخته و چه نگاهی پشت مسیر هنری‌اش قرار داشته است.» محمدعلی فارسی با اشاره به رابطه داوودنژاد با شهید مرتضی آوینی، بر دغدغه‌های انسانی او تأکید کرد و ابوالحسن داوودی و دیگر سینماگران نیز از تأثیر این فیلمساز بر زندگی و مسیر حرفه‌ای خود گفتند. در بخش شاید مهمتر مراسم نیز زهرا داوودنژاد، دختر او، با یادآوری سال‌های کودکی و نقش پدرش در زندگی خود، از او به عنوان پدری یاد کرد که پس از فقدان مادر، هم نقش پدر و هم مادر را برای او ایفا کرده است. در سوی دیگر، فریدزاده از آخرین گفت‌وگوی خود با داوودنژاد در روز انتشار خبر درگذشت بهرام بیضایی یاد کرد؛ روزی که بار دیگر دغدغه فقدان بزرگان سینمای ایران و خالی شدن خانه فرهنگ و هنر از حضور چهره‌های اثرگذار مطرح شد. در چنین تصویری، اهدای نشان درجه یک هنری به داوودنژاد، نه افزودن عنوانی تازه به کارنامه او، بلکه ادای احترام به فیلمسازی است که همچنان در جست‌وجوی تجربه‌های تازه است؛ فیلمسازی که به تعبیر سخنرانان مراسم، ایران را دیده، زندگی را زیسته، زمانه را به چالش کشیده و حتی در سال‌هایی که گویی پا به سن گذاشته است از تجربه کردن و رفتن به سوی ناشناخته‌ها دست نکشیده است.

مراسم اهدای نشان درجه یک هنری به علیرضا داوودنژاد، کارگردان، فیلمنامه‌نویس و تهیه‌کننده سینمای ایران، به فرصتی برای مرور بیش از پنج دهه فعالیت هنری فیلمسازی تبدیل شد که سینما را نه صرفاً یک حرفه، بلکه بخشی از زندگی و شیوه مواجهه خود با جهان دانسته است

برش

اعتراض به فاصله میان سینما و زندگی

در میان تمام این تمجیدها، سخنان خود علیرضا داوودنژاد بیش از هر چیز نشان داد چرا همچنان می‌توان او را فیلمسازی تجربه‌گرا دانست. او در این مراسم به سراغ مشکلات بنیادی سینمای ایران رفت و «ممیزی‌ها» و «ناامنی بازار» را دو مشکل تاریخی این سینما عنوان کرد. از نگاه داوودنژاد، فاصله افتادن میان سینما و زندگی و رها شدن سینمایی که از زندگی بریده شده در فضای ناامن، سبب شده است سینمای ایران با چالش‌های جدی روبه‌رو شود. او با اشاره به تجربه شخصی خود گفت که ۲۰ فیلم ساخته و از آنها درآمدی نداشته است و تأکید کرد سینمای ایران برای نجات از ورشکستگی به امنیت اقتصادی و حرفه‌ای نیاز دارد. داوودنژاد معتقد است: «اگر قرار باشد سینمای ملی داشته باشیم، باید فیلم‌هایی ساخته شوند که مردم آنها را متعلق به خود بدانند و حاضر باشند برای دیدنشان هزینه کنند.» او در ادامه از جهانی سخن گفت که بیش از پیش به جهان نور و صدا تبدیل می‌شود و بر نقش سینما در باورپذیر کردن آثار صوتی و تصویری تأکید کرد. از نگاه او، این ظرفیت زمانی به نتیجه می‌رسد که سینما دوباره با زندگی ارتباط برقرار کند و فیلمساز بتواند تجربه زیسته خود را به تصویر بکشد. او گفت می‌خواهد درباره چیزهایی سخن بگوید که کمتر دیده و شنیده شده‌اند و معتقد است باید میان زندگی ایرانی و سینمای ایرانی رابطه‌ای صمیمی‌تر و روان‌تر شکل بگیرد. پژوهش، آموزش، کاهش ممیزی‌های پیچیده و ایجاد امنیت برای بازار سینما، چهار مطالبه‌ای بود که داوودنژاد برای آینده این هنر مطرح کرد. او با اشاره به تجربه مدرسه ملی سینما نیز بر ضرورت توجه دوباره به آموزش و پژوهش تأکید کرد و گفت: «علاقه به سینما به تنهایی کافی نیست؛ آنچه اهمیت دارد، شناخت نقش سینما در جهان جدید و برخورداری از دانایی سینمایی است.»

گزارش

گروه فرهنگی

مراسم اهدای «نشان درجه یک هنری» به علیرضا داوودنژاد، کارگردان، فیلمنامه‌نویس و تهیه‌کننده سینمای ایران، به فرصتی برای مرور بیش از پنج دهه فعالیت هنری فیلمسازی تبدیل شد که سینما را نه صرفاً یک حرفه، بلکه بخشی از زندگی و شیوه مواجهه خود با جهان دانسته است. در این مراسم که یکشنبه گذشته در سالن «سیف‌الله داد» سازمان سینمایی برگزار شد، رائد فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی، داوودنژاد را فیلمسازی تجربه‌گرا توصیف کرد و گفت: «او صرفاً فرزند زمانه خود نبود، بلکه زمانه را به چالش می‌کشید.» فریدزاده با اشاره به ویژگی تجربه‌گرایی در سینمای داوودنژاد افزود: «او در مسیر خلق آثارش از محدوده‌های معمول و متعارف فراتر می‌رفت و تلاش می‌کرد تجربه‌های تازه‌ای را بیازماید.» به گفته رئیس سازمان سینمایی، داوودنژاد تجربه فردی خود را نیز در محدوده زندگی شخصی باقی نمی‌گذاشت و خانواده اخلاق مدار خود را وارد این تجربه زیسته می‌کرد تا زندگی را ثبت کند؛ موضوعی که برای او اهمیت ویژه‌ای داشت. فریدزاده «خلع سلاح» را نمونه‌ای از آثار داوودنژاد دانست که با شرایط روز جامعه ارتباط دارد و تأکید کرد این فیلمساز همواره تلاش کرده است نسبت خود را با مسائل زمانه حفظ کند. او همچنین از علاقه داوودنژاد به استعاره، خیال و فناوری‌های نوسخن گفت و روایت کرد که این کارگردان در دوره‌ای که هوش مصنوعی هنوز به اندازه امروز در دسترس نبود، از یک سامانه هوش مصنوعی به عنوان همدم خود استفاده می‌کرد؛ ابزاری که حتی در امور روزمره مانند یادآوری تغذیه و مصرف دارو به او کمک می‌کرد. فریدزاده این رویکرد را نشانه‌ای از همراه بودن داوودنژاد با زمانه خود دانست؛ ویژگی‌ای که در تمام مسیر حرفه‌ای او نیز قابل مشاهده است.

سینما در چشم‌انداز ایران عشق، بیداری و تجربه

این نگاه به داوودنژاد تنها در سخنان رئیس سازمان سینمایی خلاصه نشد و دیگر سینماگران حاضر در مراسم نیز هر یک از زاویه‌ای بر نسبت عمیق او با ایران و سینما تأکید کردند. منوچهر شاهسواری با اشاره به جایگاه داوودنژاد در سینمای ایران گفت: «او از معدود کسانی است که هر جا نگاه کرده، تصویری از این سرزمین ثبت کرده است و عمق آثارش ریشه در عشق بزرگ او به ایران دارد.» به گفته شاهسواری، «بیداری» در وجود داوودنژاد نهادینه شده و او همچنان در حال شکافتن تار و پود اندیشه خویش و عبور از آن چیزی است که پیش‌تر می‌دانسته است. همین روحیه جست‌وجوگر و تجربه‌طلب، در سخنان همایون اسعدیان نیز مورد توجه قرار گرفت. مدیرعامل خانه سینما، خود را شاگرد داوودنژاد دانست و گفت که همواره با غبطه به جسارت و روحیه جست‌وجوگر او نگاه کرده است؛ فیلمسازی که هر چه باتجربه‌تر شده، جسارتش برای ورود به عرصه‌های تازه نیز افزایش یافته است. حرکت داوودنژاد به سمت استفاده از هوش مصنوعی هم از نگاه اسعدیان نمونه‌ای از همین جسارت بود. مسعود فراستی نیز در این مراسم، داوودنژاد را یکی از افتخارهای سینمای ایران پس از انقلاب و «یک سینماگر واقعی» دانست و فیلم «نیاز» او را یکی از بهترین فیلم‌های تاریخ سینما از نگاه خود معرفی کرد. محمدمهدی طباطبایی‌نژاد نیز با تأکید بر اینکه سینما برای داوودنژاد «پیشه» است، نه صرفاً شغل، گفت: «نشان درجه یک هنری چیزی به اعتبار کارنامه او اضافه نمی‌کند؛ چراکه داوودنژاد سال‌ها پیش با ساخت «نیاز» نشان خود را از مردم دریافت کرده است.»

تحلیل فرهنگی روز

رضا صائمی
دبیر گروه فرهنگی

نتوکراسی و روزنامه نگاری در ایران معاصر

وقتی «الگوریتم» دبیر تحریریه می‌شود

تا همین چند سال پیش، اگر می‌خواستیم درباره قدرت یک روزنامه حرف بزنیم، از تیراژ، اعتبار تحریریه، نام سردبیر و میزان نفوذ آن در جامعه می‌گفتیم. خبر در تحریریه تولید می‌شد، خبرنگار آن را می‌گرفت، دبیر انتخاب و ویرایشش می‌کرد و سردبیر درباره جایگاهش تصمیم می‌گرفت، بعد ماشین چاپ کار را تمام می‌کرد. امروز اما کار در ماشین چاپ تمام نمی‌شود، شاید تازه از آنجا شروع شود. «نتوکراسی» مفهومی است برای توضیح همین تغییر؛ یعنی نظمی که در آن شبکه، اطلاعات و توانایی اثرگذاری بر «جریان توجه»، به منابع مهم قدرت تبدیل شده‌اند. اگر زمانی داشتن روزنامه، رادیو یا تلویزیون امتیاز بود، امروز داشتن شبکه و توانایی دیده‌شدن در آن است که قدرت می‌آورد. در این وضعیت، مهم نیست فقط چه می‌گویی، مهم است چه کسانی می‌شنوند، چه کسانی بازنشر می‌کنند و الگوریتم تا چه اندازه اجازه می‌دهد صدایت به گوش دیگران برسد. ایران امروز، روزنامه، یکی از میدان‌های روشن این تحول است. مخاطب ممکن است پیش از آنکه روزنامه را باز کند، خبر را در شبکه‌های اجتماعی دیده، فیلم آن را در تلفن همراهش تماشا کرده و روایت‌های مختلفی از آن را خوانده باشد. انحصار تاریخی رسانه بر خبر شکسته است. اما این اتفاق به معنای بی‌اهمیت شدن روزنامه‌نگار نیست، برعکس، نقش او را دشوارتر کرده است. وقتی همه می‌توانند اطلاعات تولید کنند، ارزش روزنامه‌نگاری دیگر در «انتشار» نیست، بلکه در تشخیص، راستی‌آزمایی، توضیح و معنا دادن به اطلاعات است.

در جامعه شبکه‌ای، روزنامه‌نگار دیگر «دروازه‌بان» خبر نیست، بیشتر به «راهنمای» مخاطب تبدیل شده است. دروازه‌بان تعیین می‌کرد چه چیزی وارد فضای عمومی شود و چه چیزی پشت در بماند اما امروز تقریباً هر کسی می‌تواند خبری را منتشر کند و مخاطب پیدا کند. مزیت روزنامه‌نگار حرفه‌ای باید در جای دیگری باشد؛ در توانایی پیدا کردن منبع، بررسی ادعا، کنار هم گذاشتن روایت‌های متناقض و کشف آن چیزی که پشت یک خبر پنهان است. خطر اما از جایی آغاز می‌شود که روزنامه‌نگار به جای دنبال کردن واقعیت، دنبال «ترند» برود. «شبکه» به ما نشان داده است که هر چیزی که بیشتر دیده می‌شود، الزاماً مهم‌تر نیست. محتوای هیجان‌انگیز، خشم‌برانگیز و جنجالی معمولاً سریع‌تر حرکت می‌کند و الگوریتم نیز لزوماً میان حقیقت و هیجان تفاوتی قائل نیست. در این شرایط، «توجه» می‌تواند جای «اهمیت» را بگیرد. اگر روزنامه‌نگار تسلیم منطق کلیک و وایرال شدن شود، تفاوت خود را با تولیدکننده محتوا از دست می‌دهد. وظیفه روزنامه‌نگاری حرفه‌ای درست در نقطه‌ای آغاز می‌شود که هیاهوی شبکه پایان می‌یابد، یعنی در پرسیدن، شک کردن، راستی‌آزمایی کردن و توضیح دادن.

برای سرویس فرهنگی روزنامه‌ها، این تغییر حتی جدی‌تر است. فرهنگ معمولاً پیش از آنکه به خبر تبدیل شود، به نشانه تبدیل شده است. در زبان جوانان، موسیقی، سبک زندگی، کتاب‌هایی که ناگهان خوانده می‌شوند، فیلم‌هایی که درباره‌شان بحث شکل می‌گیرد و اصطلاحاتی که در شبکه‌ها رواج پیدا می‌کنند. بسیاری از تحولات فرهنگی ابتدا در حاشیه شبکه‌ها دیده می‌شوند و بعد به متن جامعه می‌آیند. بنابراین دبیر سرویس فرهنگی روزنامه امروز نمی‌تواند فقط منتظر یک «اتفاق» بماند، باید شبکه را بخواند و نشانه‌های تغییر را تشخیص دهد. اما خواندن شبکه با تسلیم شدن به آن متفاوت است. وظیفه روزنامه‌نگاری فرهنگی امروز را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: در شبکه بودن، بدون شبکه‌ای شدن. یعنی شناخت زبان و منطق شبکه، بدون آنکه تعداد بازدید و میزان وایرال شدن، معیار ارزش فرهنگی شود.

نتوکراسی البته به معنای پایان روزنامه نیست؛ پایان نوعی از روزنامه‌نگاری است که قدرت خود را از انحصار توزیع اطلاعات می‌گرفت. روزنامه امروز یکی از ایستگاه‌های جریان اطلاعات است، اما تنها ایستگاه آن نیست. در عصر نتوکراسی، روزنامه‌نگاری که بخواهد فقط سریع‌تر از شبکه باشد، شکست می‌خورد، زیرا همیشه کسی هست که سریع‌تر منتشر کند. مزیت روزنامه‌نگار در دقیق‌تر دیدن، بهتر توضیح دادن و اعتماد ساختن است. شاید آینده روزنامه‌نگاری در ایران نه در رقابت با شبکه، بلکه در تعریف دوباره نسبت خود با آن رقم بخورد. جایی که روزنامه‌نگار دیگر نگهبان یک دروازه بسته نیست، بلکه کسی است که در ازدحام بی‌پایان صداها، مسأله را از هیاهو، حقیقت را از روایت و اهمیت را از توجه تشخیص می‌دهد.

چهره‌های محبوب کودکان دیروز پس از ۱۴ سال روی صحنه می‌آیند

بازگشت عموهای فیتیله‌ای فرصتی برای بازخوانی سینمای کودک

یادداشت

مهرداد پارسایی
منتقد سینما

بازگشت علی فروتن، محمد مسلمی و حمید گلی، سه چهره شناخته‌شده «عموهای فیتیله‌ای»، پس از ۱۴ سال به یک فیلم سینمایی، اتفاقی است که ارزش آن فراتر از یک خبر تولیدی و انتخاب بازیگران قرار می‌گیرد. این سه هنرمند در فیلم «شوتینگا» به کارگردانی آرش معیریان و از تولیدات بنیاد سینمایی فارابی، بار دیگر در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند؛ اتفاقی که می‌تواند فرصتی برای بازخوانی وضعیت سینمای کودک و نسبت آن با مخاطب امروز باشد. «عموهای فیتیله‌ای» برای بخش قابل توجهی از خانواده‌های ایرانی فقط نام سه هنرمند نیستند، بلکه بخشی از خاطره جمعی نسلی هستند که دوران کودکی خود را با برنامه‌های کودک تلویزیون سپری کرده است. همین سابقه، نوعی سرمایه ذهنی و اجتماعی ایجاد کرده که شاید بسیاری از تولیدات جدید به سال‌ها زمان نیاز داشته باشند تا به آن دست پیدا کنند. در شرایطی که سینمای کودک برای جذب مخاطب با رقابت جدی شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های آنلاین، بازی‌های رایانه‌ای و محتوای خارجی روبه‌روست، استفاده از چهره‌های آشنا می‌تواند یک امتیاز مهم باشد. کودک و خانواده امروز با انتخاب‌های فراوانی مواجه‌اند و جلب نظر آنها به یک اثر، بویژه در حوزه کودک، اهمیت زیادی دارد. پدر و مادری که سال‌ها این سه هنرمند را در برنامه‌های کودک دیده‌اند، ممکن است با اطمینان بیشتری به سراغ فیلمی بروند که آنها در آن حضور دارند. بنابراین بازگشت عموهای فیتیله‌ای را می‌توان فرصتی برای ایجاد دوباره پیوند میان مخاطب خانواده و سینمای کودک دانست؛ پیوندی که در سال‌های اخیر تا حدی کمرنگ شده و نیازمند بازسازی است.

با این حال، نباید اهمیت این اتفاق را فقط در نوستالژی جست‌وجو کرد. بزرگ‌ترین چالش «شوتینگا» همین است که باید از خاطرات نسل گذشته عبور کرده تا بتواند با کودک امروز ارتباط برقرار کند. کودکی که امروز مخاطب سینماست، با کودکی که ۱۴ سال قبل پای تلویزیون می‌نشست، تفاوت‌های فراوانی دارد. دسترسی گسترده به اینترنت، تلفن همراه، بازی‌های آنلاین و محتوای جهانی، سلیقه و انتظارات نسل جدید را تغییر داده است. کودک امروز سرعت بیشتری در دریافت اطلاعات دارد و با استانداردهای متنوعی از سرگرمی روبه‌روست. به همین دلیل، نمی‌توان با تکیه بر فرمول‌های قدیمی یا صرفاً با بازگرداندن چهره‌های محبوب گذشته، او را برای مدت طولانی با یک اثر همراه کرد. حضور عموهای فیتیله‌ای زمانی اهمیت واقعی پیدا می‌کند که تجربه آنها با زبان و جهان کودک امروز پیوند بخورد. فیلمنامه باید کودکی را بشناسد که دغدغه‌ها، ترس‌ها، پرسش‌ها و روابط اجتماعی‌اش تغییر کرده است. سینمای کودک امروز باید بتواند در کنار سرگرمی، به تخیل و خلاقیت کودک میدان بدهد و مفاهیمی مانند دوستی، همدلی، مسئولیت‌پذیری، پذیرش تفاوت‌ها و حل مسأله را در دل داستان مطرح کند؛ بدون آنکه به دام شعار و آموزش مستقیم بیفتد. کودک بیش از هر چیز به قصه خوب و شخصیت‌هایی باورپذیر نیاز دارد. اگر «شوتینگا» بتواند از ظرفیت حضور این سه هنرمند برای ساختن چنین جهانی استفاده کند، آن‌گاه بازگشت آنها از یک حرکت نوستالژیک به یک اتفاق فرهنگی معنادار در حوزه سینمای کودک و نوجوان تبدیل خواهد شد.

اهمیت این موضوع از منظر خانواده نیز قابل توجه است. در حوزه سینمای کودک، مخاطب اصلی کودک است، اما تصمیم‌گیرنده نهایی در بسیاری از موارد والدین هستند. خانواده باید احساس کند فیلمی که قرار است فرزندش ببیند، هم سرگرم‌کننده و جذاب است و هم با ارزش‌های فرهنگی و نیازهای سنی او تناسب دارد. چهره‌های شناخته‌شده‌ای مانند عموهای فیتیله‌ای می‌توانند بخشی از این اعتماد اولیه را ایجاد کنند، اما حفظ آن اعتماد به کیفیت فیلم وابسته است. سینمای کودک نباید مخاطب خود را ساده‌انگار فرض کند. کودک امروز می‌تواند یک اثر ضعیف را خیلی زود پس بزند و در مقابل، اگر با داستانی خلاقانه و صادقانه مواجه شود، ارتباط عمیقی با آن برقرار کند. از همین منظر، حمایت بنیاد سینمایی فارابی از تولیدات کودک نیز اهمیت پیدا می‌کند؛ زیرا سینمای کودک نباید تنها در مقاطع خاص و با موفقیت‌های موردی مورد توجه قرار گیرد. این حوزه به برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و نگاه حرفه‌ای نیاز دارد. کودک، مخاطب آینده جامعه نیست؛ مخاطب امروز است و آنچه امروز می‌بیند، می‌شنود و تجربه می‌کند در شکل‌گیری نگاه او به جهان تأثیر دارد. سینما می‌تواند در کنار خانواده و مدرسه، فضایی برای تجربه جمعی، تخیل، گفت‌وگو و شناخت جهان ایجاد کند. به همین دلیل، هر پروژه موفق در این حوزه می‌تواند فراتر از گیشه، یک دستاورد فرهنگی محسوب شود.

در نهایت، بازگشت «عموهای فیتیله‌ای» را باید فرصتی برای پیوند میان گذشته و آینده سینمای کودک دانست. این سه هنرمند سرمایه‌ای از جنس خاطره در اختیار دارند؛ سرمایه‌ای که می‌تواند مخاطبان قدیمی را دوباره با یک اثر کودکانه همراه کند، اما ارزش واقعی آن زمانی آشکار می‌شود که برای ارتباط با نسل جدید به کار گرفته شود. اگر «شوتینگا» بتواند این تعادل را ایجاد کند، حضور دوباره عموهای فیتیله‌ای فقط یک دیدار با گذشته نخواهد بود؛ بلکه می‌تواند تلاشی برای بازگرداندن سینمای کودک به جایگاه واقعی خود و باز کردن راهی تازه برای گفت‌وگو با کودکی باشد که امروز بیش از همیشه به دیده شدن نیاز دارد.